

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری
(مطالعه موردی: محلات سلطان میراحمد و فین کاشان)

^۱ مونا لقمان

^۲ زهرا سادات سعیده زرابادی

^۳ مصطفی بهزادفر

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۷

چکیده

محله‌های شهری به عنوان هسته اصلی جریان‌های اجتماعی در گذر زمان، نقش اساسی در شکل‌دهی و سامان‌دهی ارتباطات پایدار اجتماعی داشته است. در طول چند دهه اخیر با توسعه شهرها و تغییرات اساسی زندگی ساکنان، این هسته‌ی ارزش‌مند شهری دچار بحران شده است. هدف پژوهش حاضر شناسایی ابعاد و هم‌چنین سنجش میزان تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محله‌های شهری است. روش پژوهش بر حسب هدف کاربردی و بر حسب گردآوری داده‌ها ترکیبی است. روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات، به صورت پرسشنامه بوده است. جهت آزمون فرضیات پژوهش از آزمون تفاوت میانگین‌ها برای دو نمونه مستقل، آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج بیانگر وجود ارتباط معنی‌دار میان تمامی ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی است و سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای متغیر رضایت از کیفیت زندگی است. نتایج نشان داد که میزان تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی (۰/۵۸) می‌باشد. بیش‌ترین تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر کیفیت زندگی را شاخص اعتماد (۰/۸۶) دارا است. با ارتقاء سرمایه اجتماعی از طریق افزایش اعتماد می‌توان رضایت از کیفیت زندگی را در محلات شهری ارتقاء داد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رضایت از کیفیت زندگی، محله مسکونی، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). z.s.zarabadi@gmail.com

۳- استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

مقدمه

افزایش نرخ رشد جمعیت و توسعه شهرها باعث تغییرات اساسی در الگوی زندگی ساکنین آن و بروز چالش‌های نوینی از جمله ناپایداری روابط، کاهش ارتباطات اجتماعی و تبادلات چهره‌به‌چهره و مستقیم و آنچه گافمن از آن به‌عنوان بی‌توجهی مدنی یاد می‌کند شده است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۶). با توجه به بروز چالش‌های نوینی از جمله: تغییر ساختار خانواده، عدم پایایی پیوندهای اجتماعی، تغییر گسترده در روابط نزدیک، از بین رفتن پیوندهای نسلی، می‌توان دوره حاضر را دوره گسست ارتباطات پیوند دهنده نامید. پاتنام سرچشمه دیگر سرمایه اجتماعی را در کشورهای در حال توسعه، جهانی شدن می‌داند. جهانی شدن حامل سرمایه بلکه حامل اندیشه و فرهنگ نیز هست. همگان به خوبی آگاهند که جهانی شدن چگونه به فرهنگ سنت‌های بومی صدمه می‌زند و سنت‌های دیرینه را با تهدید روبرو می‌کند (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۰).

زیمل، بافت جامعه را کنش‌های متقابل و الگودار می‌دانست که در دوره‌های گوناگون تاریخی و در زمینه‌های متنوع فرهنگی پیوسته رخ می‌دهند و جهت درک ساختار جامعه بایستی به شناخت و درک هر کدام و ارتباط میان آن‌ها پرداخت (کوزر، ۱۳۷۲: ۲۴۷). زیمل مشکل اصلی کلان‌شهرها را نوعی ناخوشایندی و احتیاط در برقراری روابط اجتماعی میان افراد می‌دانست. در این حالت افراد قادر به تشخیص تفاوت‌ها نبوده، اهمیت زندگی از میان رفته و امور و فعالیت‌ها یکنواخت شده و رضایت زندگی کاهش می‌یابد. به موازات افزایش افراد، روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به روابط دیگر می‌دهند. به اعتقاد زیمل، نتیجه چنین شرایطی ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است (تنهایی و حضرتی، ۱۳۸۸).

پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضا جامعه موجود است. وی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در مناطق، اجتماعات در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی می‌داند.

در بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر تعریف و شناخت اجتماعات پایدار براساس معیارهای اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی می‌توان موارد زیر را برشمرد: رشد اقتصادی، شهروندی، حکمروایی، خصوصیات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، هویت، حس تعلق و ایمنی. اجتماعی پایدار است که در حوزه کیفیت زندگی، دارای محیط‌های جذاب، کیفیت زندگی بالا و کنش و جذابیت برای گروه‌های اجتماعی باشد و در حوزه سرمایه اجتماعی، حس همکاری متقابل و اعتماد دوطرفه میان شهروندان با مدیران امور شهری و توجه به

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

سایر سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و محیطی به صورت همزمان وجود داشته باشد (راکو^۱، ۲۰۰۷: ۱۷۱) به نقل از عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۳).

از آن جا که آسایش و رفاه انسان‌ها از اهداف اصلی توسعه محسوب می‌شود، می‌توان گفت که ارتقاء کیفیت زندگی، نتیجه فرآیند توسعه است. نظریات گوناگونی وجود دارد که در دهه‌های اخیر، سرمایه اجتماعی به عنوان حلقه مفقوده توسعه در نظر گرفته شده و توسعه نیز به شدت با سطح رضایت و کیفیت زندگی افراد در ارتباط است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۷). مروری بر مطالعات نشان می‌دهد که پژوهش‌گران این عرصه همواره در تلاش بوده‌اند تا به راه‌حلی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی، اعتماد در جهت دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی و افزایش کیفیت زندگی ساکنین دست پیدا کنند.

تحقیق حاضر نیز در نظر دارد برای رفع چالش‌های عنوان شده، پس از بازتولید مفاهیم پایه با توجه به زمینه، به بررسی و سنجش شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در سطح محلات شهری به منظور دستیابی به توسعه پایدار پرداخته و روابط میان این دو متغیر را مورد بررسی قرار دهد.

در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر، پرداختن به مقیاس‌های خرد شهری در سلسله‌مراتب نظام تقسیمات شهری، به عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونتی مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این موضوع به همراه ویژگی‌های پایدار واحدهای سکونتی در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است (موقرو همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). محله‌های شهری به عنوان حلقه واسط میان شهر و شهروندان و نیز به عنوان هسته‌های اصلی جریان‌های اجتماعی در گذر زمان، نقش اساسی در شکل‌دهی و سامان‌دهی امور شهری داشته که با ارائه نوع خدمات روزمره خود القاگر حس تعلق، هویت و غنای روابط اجتماعی بوده است اما با ظهور عصر مدرنیته و نیز تغییرات تفکرات شهرسازانه، نوع مداخله صرفاً کالبدی در طول چند دهه اخیر، این هسته‌های ارزش شهری را دچار بحران کرده است. محله‌های شهری، به خصوص در بافت‌های تاریخی و قدیمی که از پشتوانه هویتی با ارزشی برخوردار هستند، به عنوان پهنه‌های فضایی-نهادی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت به عنوان واکنشی در جهت یکپارچه‌سازی مطرح شده است که طبعاً این واکنش، امر مشارکت مردمی مبتنی بر هویت محله‌ای کاملاً ضروری به نظر می‌رسد (الوانی و نقوی، ۱۳۸۱: ۳). این بافت‌ها از جهات مختلفی، خواه به لحاظ شرایط معماری و فیزیکی و تراکم جمعیتی و خواه به لحاظ قشربندی اجتماعی افراد ساکن (سطح تحصیلات، شغل، درآمد) با یکدیگر متفاوت هستند، به طوری که ساختار اجتماعی محله‌های جدید که عموماً در بافت‌های میانی و جدید شکل گرفته است، در تقابل هم‌گرایی با هسته‌های هویتی امروز است.

1- Raco

بدین منظور دو محله در شهرستان کاشان انتخاب و مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد. نمونه اول محله سلطان میراحمد (شامل محله‌های قدیمی سوريجان، ترک اباد و محله سنگ پلویی) به عنوان مورد دارای بستر هویتی و تاریخی فرهنگی که در این پژوهش باتوجه به مساحت، عملکرد و نقش اجتماعی بارز محله سلطان میراحمد به این نام ذکر گردیده است و محله فین (حداصل شهرک امیرالمومنین تا خیابان صادقی اصفهانی) نیز به عنوان نمونه نسبتاً نوساز، بررسی می‌شود. انتخاب چهار محله قدیمی به دلیل مشابهت جمعیتی با محله فین صورت گرفته است. محله سلطان میراحمد به دلیل قرارگیری در بافت مرکزی از گذشته محل زندگی کسبه و تجار قدیمی بوده است که به تدریج با تغییر ساختارهای به وجود آمده در این بخش و عدم احیاء و رسیدگی کافی به تدریج این محله خالی از سکنه شده و ساکنین آن را مهاجرین و اقشار کم درآمد تشکیل داده اند. اگر چه عمر محله فین کاشان به طولانی محله سلطان میراحمد نمی‌باشد ولی با توجه به رشد و گستردگی شهر به سمت محور فین و افزایش قیمت زمین در حال حاضر، محل زندگی اقشار مرفه می‌باشد که بدین دلایل با بافت همگن تری در این محدوده روبرو هستیم.

در واقع هدف پاسخگویی به این سوال است که آیا ارتباطی میان ابعاد سرمایه اجتماعی و ابعاد رضایت از کیفیت زندگی محله وجود دارد؟ و در صورت وجود ارتباط، میزان تاثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر پیش‌بینی بر متغیر رضایت از کیفیت زندگی در محله چقدر است؟

در راستای پاسخگویی به سوال‌های پژوهش، فرضیه اصلی مورد سنجش قرار می‌گیرد که به نظر می‌رسد روابطی میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری وجود دارد. در جهت عملیاتی ساختن، فرضیه اصلی در قالب سه فرضیه ذیل بررسی گردید:

۱- رضایت از کیفیت زندگی در دو محله سلطان میر احمد و فین کاشان متفاوت است.

۲- میان ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با ابعاد متغیر رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.

۳- متغیر سرمایه اجتماعی پیش‌بینی کننده خوبی برای متغیر رضایت از کیفیت زندگی می‌باشد.

در ادامه، به بررسی ادبیات پژوهش در ارتباط با دو مفهوم سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی پرداخته می‌شود.

سرمایه اجتماعی مفهومی است که عمر آن به قرن هجدهم و قبل از آن می‌رسد و اخیراً در مباحث مربوط به جامعه مدنی دوباره مطرح شده است. سرمایه اجتماعی به‌طور خلاصه به معنای «هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند» و با شیوه‌هایی هم‌چون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیررسمی قابل اندازه‌گیری است. سرمایه اجتماعی مفهومی ترکیبی است که «موجودی» یا میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه و در یک مقطع زمانی خاص تشریح می‌کند. رابطه متقابل، رفتار غیرخودخواهانه و

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

اعتماد نمونه‌هایی از این هنجارها هستند. این شبکه‌ها ممکن است رسمی یا غیررسمی باشد. از این منظر، سرمایه اجتماعی یکی از عناصر مهم قدرت «جامعه مدنی» یا ظرفیت جامعه برای مدیریت خویش از طریق فعالیت‌های گروهی غیررسمی، داوطلبانه، غیردولتی (و غیرانتفاعی) است (تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵۶). برای سرمایه اجتماعی تعاریف بسیار زیادی وجود دارد. به صورت خلاصه، تعاریف پیشنهادی برای سرمایه اجتماعی از سوی تعدادی از نظریه‌پردازان در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): تعاریف سرمایه اجتماعی از منظر نظریه پردازان

نظریه پرداز	تعریف پیشنهادی برای سرمایه اجتماعی
بار	شبکه روابط متقابل بین عامل‌های درون یک اقتصاد.
کلمن	روابط اقتدار، روابط اعتماد و حقوق ناشی از هنجارهای ایجاد شده
کلیر	سرمایه اجتماعی یک دسته فرآیندهایی است که منجر به تولید برون‌داده‌هایی می‌شود که حاصل کنش‌های اجتماعی است و شامل آن دسته‌ای است که یا خود بادوام هستند یا روی آنها بی‌اثر می‌گذارد.
فوکویاما	هنجارهای غیررسمی که موجب رشد همکاری بین دو فرد و یا بیشتر می‌شود
لیسر، لایسون و ساکردوت	سرمایه اجتماعی فردی به عنوان ویژگی‌های اجتماعی فرد شامل مهارت‌های اجتماعی و جذب که وی را قادر می‌سازد تا از طریق کنش با دیگران به منافع در بازار و غیربازار دست یابد.
ناک و کفر	گروه‌هایی که در عادات افرادشان همکاری و انسجام و سرزندگی تزریق می‌کنند و طبق نظر اولسونیان گروه‌هایی که ائتلاف‌های توزیعی تشکیل می‌دهند.
نارایان و پرنیت	کمیت و کیفیت معاشرت در زندگی و هنجارهای اجتماعی مرتبط با آن.
پاتنام	اشکال سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند.
ایف و ویجایاتا	سرمایه اجتماعی ساختاری، شامل، نقش‌ها، قواعد، رویه‌ها و سنت‌ها بعنوان شبکه‌های اجتماعی است که سبب ایجاد الگوهای جاری کنش‌های اجتماعی می‌شوند. سرمایه اجتماعی شناختی، شامل، هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی است که مردم را راغب به همکاری می‌کند.
ولکووک و نارایان	هنجارها و شبکه‌ها که مردم را برای کنش جمعی قادر می‌سازد و در قالب دیدگاه اجتماع‌گرایی، دیدگاه شبکه‌ای، دیدگاه نهادی و دیدگاه هم‌افزایی قابل بررسی و تحلیل است.
بانک جهانی	هنجارها و روابط اجتماعی مستحکم و ریشه‌دار در ساختارهای اجتماعی جوامع که مردم را در هماهنگی کنش‌ها برای دستیابی به اهداف مطلوب خود قادر می‌سازد.

منبع: (حداد^۱، ۲۰۰۲: ۱۵ به نقل از عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۳).

تعریف مورد نظر برای سرمایه اجتماعی در این تحقیق، عبارت است از یک دسته فرآیندهایی که حاصل کنش‌های اجتماعی بوده و می‌تواند در جهت رفع نیازهای شخصی و عمومی افراد و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها به کار آید.

حوزه سرمایه اجتماعی عبارتند از: الف) سطح میکرو یا خرد که در مطالعه رابرت پاتنام بر روی سازمان‌های شهری ایتالیا در سال ۱۹۹۳ عینیت می‌یابد که در آن سرمایه اجتماعی به انواع مختلف سازمان اجتماعی همانند شبکه‌های افراد یا خانواده‌ها و هنجارها و ارزش‌های مشترک اشاره دارد. ب) سطح میانی: همانند کارهای جیمز کلمن که در آن روابط عمودی همانند روابط افقی در درون و در بین هویت‌های مختلف، همانند شرکت‌های بازرگانی به عنوان سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود و ج) سطح ماکرو یا کلان که شامل محیط اجتماعی و سیاسی

1 Haddad

می‌شود که فراتر از روابط وسیع غیررسمی و محلی، افقی و سلسله مراتب عمودی، ساختارهای اجتماعی را شکل می‌بخشد و دربردارنده ساختارها و روابط نهادی همانند نظام‌های سیاسی، نقش قانون، سیستم دادگاه و آزادی‌های مدنی و سیاسی نیز می‌شود (بلانکو و کمبل^۱، ۲۰۰۶: ۱۷۳).

به اعتقاد پکستن، سرمایه اجتماعی دارای دو بعد اصلی است: بعد ذهنی میان افراد و پیوندهای عینی میان افراد (فیلد، ۱۳۸۵: ۶۷). سرمایه اجتماعی شناختی (ذهنی)، به تجلیات انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (چلی، ۱۳۸۵). پیوندهای بین افراد می‌بایست دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانانگ مثبت باشد. اعتماد به این معناست که افراد از موقعیت‌های گروهی یا نهادی برای منافع خود بهره‌برداری نمی‌نمایند. اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵). سرمایه اجتماعی ساختاری (عینی)، به جنبه‌های قابل رویت و شاید عینی‌تر (قابل لمس‌تر) مفهوم سرمایه اجتماعی برمی‌گردد؛ از قبیل نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد (چلی، ۱۳۸۵).

می‌توان به صورت کلی به سه منبع مهم سرمایه اجتماعی اشاره کرد. به‌عنوان اولین منبع تولید سرمایه اجتماعی می‌توان مجموعه اقدامات، فعالیت‌ها و برنامه‌های دولت در قالب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان را شناسایی کرد که نقش مثبت و گاه منفی بر تولید سرمایه اجتماعی به جای گذارد. دو منبع دیگر که نقشی فراتر از دولت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی نقش دارد: اولی دین است، تغییرات فرهنگی که الهامات دینی آن‌ها را سبب می‌شوند همچنان گزینه‌ای زنده در بسیاری از بخش‌های جهان هستند. جهان اسلام شاهد رشد شکل‌های نوین دین‌داری در دهه‌های اخیر بوده است. دومین سرچشمه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، جهانی شدن است. جهانی شدن نه فقط حامل سرمایه، بلکه حامل اندیشه و فرهنگ نیز است. این موضوع می‌تواند تهدیدی برای سنت‌های گذشته و ایجاد کننده رویه و عادت‌های جدیدی در جامعه باشد (تاجبخش، ۱۳۸۴ به نقل از عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۳).

تاکنون دیدگاه‌های مختلفی پیرامون سرمایه اجتماعی با توجه به زمینه‌های نظری و تکوین تاریخی آن شکل گرفته که می‌توان آن را در چهار دسته اجتماع‌گرایی، شبکه‌ای، نهادی و همیاری تقسیم‌بندی کرد. اولین نظریه مربوط به دیدگاه اجتماع‌گرایان بوده که اعتقاد دارند سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اقتصادی خواهد داشت. به عبارت دیگر، طرفداران این نظریه تنها به بیان نقاط قوت سرمایه اجتماعی می‌پردازند و از نقاط ضعف آن چشم‌پوشی می‌کنند. در دیدگاه شبکه‌ای، سرمایه اجتماعی به

دارایی‌هایی تعبیر شده است که درون شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی وجود دارد و دستیابی به آن‌ها از طریق عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است. بنابراین شبکه‌های اجتماعی بزرگتر، متنوع‌تر و ناهمگون‌تر، صرفه‌های اقتصادی مثبت بیشتری برای افراد به دنبال خواهد داشت (لین^۱، ۲۰۰۰: ۷۹۵-۷۸۵ به نقل از مهرگان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

دو خصلت پایه این دیدگاه توجه به جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی و تمایز بین منافع این سرمایه و عوارض ناشی از آن است. دیدگاه نهادی مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. برخلاف دیدگاه اجتماع‌گرا و شبکه‌ای که با سرمایه اجتماعی عمدتاً به عنوان متغیری مستقل برخورد می‌کند که به ظهور پیامدهای گوناگون - اعم از خوب و بد می‌انجامد، نگرش نهادی، سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته تلقی می‌کند. دیدگاه همیاری می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. ایوانز از شارحان درجه یک این دیدگاه نتیجه می‌گیرد که همیاری دولت و شهروندان مبتنی بر دو عامل مکمل بودن و اتکا است. منظور از مکمل بودن، روابط حمایتی دو طرفه بین کنشگران بخش دولتی و خصوصی است و منظور از اتکا، ماهیت گسترده پیوندهایی است که در بین شهروندان و مقامات دولتی برقرار می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۳).

تفاوت میان این چهار دیدگاه عمدتاً به سه عامل بستگی دارد: واحدی که به هنگام تحلیل بر آن تمرکز می‌شود، تلقی دیدگاه‌ها از سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل، وابسته یا واسط و این که جایگاه دولت را تا کجا در تحلیل خود می‌گنجانند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

از سرمایه اجتماعی به عنوان پایه‌ای نظری در بررسی وضعیت اجتماعی محله استفاده می‌شود و می‌توان بر پایه آن ظرفیت‌های موجود در محله را شناسایی و مورد دقت نظر بیش‌تری قرار داد. سرمایه اجتماعی محله‌ای را می‌توان با توجه به جنبه‌های زیر توصیف کرد:

الف) سرمایه اجتماعی محله به عنوان یک ساخت چند سطحی: سرمایه اجتماعی در این بخش به منظور استفاده مؤثر از آن، به عنوان ارتباطات متقابل چند سطحی بین منابع شبکه محور قابل تعریف است. اعتماد متقابل در قالب شبکه‌هایی که در درون محله برای مدیریت و برنامه‌ریزی محله شکل می‌گیرند، می‌تواند منجر به ایجاد یک ساخت اجتماعی چندسطحی از شهروندان در محله گردیده و در نهایت اداره امور محله را به شکل آسان‌تری میسر می‌سازد. لذا سرمایه اجتماعی در سطح محله با ایجاد یک ساخت چند سطحی تلاش می‌کند تا اعتماد شهروندان را جلب و مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی در محله را توسعه دهد. مبنای

1- Lin

این جنبه از سرمایه اجتماعی چیزی است که از آن به‌عنوان سرمایه اجتماعی - ساختاری یاد می‌شود و تشکل‌ها و نهادها و شبکه‌ها نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری آن دارند.

ب) سرمایه اجتماعی محله به‌عنوان بستری در استفاده از ظرفیت‌های محلی: سرمایه اجتماعی به دلیل ابعاد و جنبه‌های گوناگون و به کارگیری نیروهای مختلف، اشکال متفاوتی را در استفاده از ظرفیت‌های محلی ایجاد می‌کند. تحقیقات اخیر پیرامون سرمایه اجتماعی نیز روی اشکال خاصی از سرمایه اجتماعی تأکید دارد که بتواند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی را برای کلیه اجتماعات به کار برد. همچنان که پس‌زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی اجتماعی ادراک و برداشت افراد از سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد، لذا همین پس‌زمینه‌ها نیازهای سرمایه اجتماعی را نیز مشخص و ارائه می‌دهد. بولن مبتنی بر این جنبه، مشخصات محله‌های دارای درجه بالایی از سرمایه اجتماعی را در قالب چهار مورد ارائه می‌کند: مردم این احساس را خواهند داشت که جزیی از محله هستند؛ احساس مفید بودن و سودمندی کرده و توانایی آن‌ها برای مشارکت واقعی در محله تقویت می‌گردد؛ محله را متعلق به خود دانسته و در آن احساس امنیت می‌کنند؛ شبکه‌های زیادی از ارتباطات متقابل میان افراد شکل می‌گیرد.

ج) سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری برای تقویت سیاست‌های مناسب محله‌ای: سیاست‌های برنامه‌ریزی می‌تواند از سطح ملی و کلان تعریف و در سطح محلی با نگاه برنامه‌ریزی مشارکتی توسط ساکنین محله به اجرا درآید. در طرح‌ها و برنامه‌های کلان و بزرگ مقیاس نیز حداقل می‌توان از توان مشارکتی مردم در اجرای آن‌ها استفاده شود. قلمروهای پایه سرمایه اجتماعی مبتنی بر مفاهیم و رویکردهای نظری گفته شده می‌تواند در قالب توانمندسازی، مشارکت، فعالیت‌های مشارکتی و اهداف و مقاصد عمومی به حمایت از شبکه‌ها، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، اعتماد به عنوان عنصر اساسی در سرمایه اجتماعی و تعلق و ایمنی محیطی، سیاست‌های مناسب محله‌ای را تقویت و حفاظت نماید (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۳).

د) سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزی: از مشخصه‌های برنامه‌ریزی محله مینا، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی است و برای شکل‌گیری و انباشت این سرمایه‌ها نیازمند یک ساختار محله‌گرا در مدیریت و برنامه‌ریزی است. در ساختارهای تمرکزگرا، مبتنی بر دیدگاه سنتی، مدیریت براساس روابط عمومی و تقسیم‌بندی‌های انعطاف‌ناپذیر سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌های همکاری و اعتماد متقابل شکل نمی‌گیرد.

برنامه‌ریزی محله‌مبنا بر این نکته تأکید دارد که ساکنان محله‌ها طی تجربه مشترک و طولانی زندگی در یک محیط می‌توانند بسیاری از نیازهای روزمره زندگی خود را تشخیص داده و در هماهنگی با مدیریت‌های سطوح بالاتر به ایجاد محلات شهری پایدار کمک کنند، این رویکرد هماهنگی بیش‌تری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. در بعد برنامه‌ریزی، تمرکززدایی و واگذاری امور به سطوح محلی و خرد و حرکت به سمت

یک نظام خودگردان برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای از دیگر مشخصه‌های عمده است که با تکیه بر سرمایه اجتماعی می‌توان آن‌ها را به نحو مطلوب در شهرها به مرحله اجرا درآورد (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۴).

کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست و این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث از شادکامی بدان اشاره کرده است. همچنین در دوران جدید فیلسوفانی چون کیرکهگارد، ژان پل سارتر و دیگران به آن توجه داشته‌اند. با این وجود کسی که برای اولین بار به مفهوم کیفیت زندگی به صورت مستقیم اشاره کرد پیگو بود. پیگو عبارت کیفیت زندگی را اولین بار در سال ۱۹۲۰ در کتاب «اقتصاد و رفاه» مورد استفاده قرار داد. در این کتاب، پیگو درباره حمایت دولت از قشرهای کم‌درآمد جامعه و تأثیر این حمایت بر آن‌ها و همچنین بودجه ملی بحث می‌کند. آن زمان نظریه او شکست خورد و تا بعد از جنگ جهانی دوم به فراموشی سپرده شد. بعد از جنگ جهانی دوم دو حادثه مهم رخ داد. اولی مربوط به سازمان بهداشت جهانی بود. در این زمان سازمان بهداشت جهانی تعریف گسترده‌ای از سلامت ارائه کرد که در این تعریف سلامت شامل سلامت فیزیکی، روانی و اجتماعی می‌شد. این اقدام سازمان بهداشت جهانی منجر به مذاکرات زیادی در مورد سلامت و چگونگی اندازه‌گیری آن شد. دومین رخداد مهم بعد از جنگ جهانی دوم که زمینه توجهات ویژه به کیفیت زندگی را فراهم آورد، بحث بی‌عدالتی‌های وسیع در جوامع غربی بود. همین مسأله باعث یک سری فعالیت‌های اجتماعی و ابتکارات سیاسی از دهه ۱۹۶۰ به بعد شد. به اعتقاد فیشر و شوسلر عبارت کیفیت زندگی به صورت خاص اولین بار در سال ۱۹۶۰ در گزارش کمیسیون ریاست جمهوری درباره اهداف ملی آمریکا مطرح شد. گزارش کمیسیون مذکور متمرکز بر برنامه‌های اجتماعی مانند آموزش و نیروی انسانی، توسعه اجتماعی و مسکن، سلامتی و رفاه بود. بر همین اساس گزارش کمیسیون ریاست جمهوری آمریکا در زمینه اهداف ملی و تحقیق باوئر در سال ۱۹۶۶ در زمینه اثرات ثانویه برنامه‌های مکانی ملی در آمریکا را می‌توان به عنوان اولین کارهایی ذکر کرد که به مقوله کیفیت زندگی به عنوان یک حوزه تحقیقاتی خاص پرداخته‌اند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ علاقه به مفهوم کیفیت زندگی به شکل معناداری افزایش یافت. از این تاریخ به بعد بحث‌های کیفیت زندگی بیش‌تر در سه حوزه پزشکی، روانشناسی و علوم اجتماعی متمرکز شد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۰). بررسی مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت زندگی در ایران نشان می‌دهد که توجه ویژه به این موضوع و ورود آن به عنوان یک حوزه تحقیقاتی خاص در مطالعات علمی کشور به اوایل دهه ۱۳۷۰ بازمی‌گردد.

کیفیت زندگی واژه‌ای پیچیده، چندبعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است. با توجه با تعاریف متعدد در مورد کیفیت زندگی و همچنین اذعان به عدم وجود اجماع نظر در مورد تعریف آن، می‌توان گفت که کیفیت زندگی واژه‌ای بسیار تفسیرپذیر و ابهام‌آور است

و بنا به حوزه کاربرد و نوع مطالعه فرق می‌کند. اگرچه تعریف کیفیت زندگی شهری در کشورهای مختلف و حتی در نواحی یک کشور نیز متفاوت است ولی جوهر مشترک آن معطوف به تأمین نیازهای اساسی مادی و معنوی در دو وجه ذهنی و عینی به طور توأمان است. در مجموع، کیفیت زندگی توجه به شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی، روانی و غیره در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی شهری (مثل شرایط تحصیل بهتر، کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای گذران اوقات فراغت، ایجاد فرصتهایی برای کنش متقابل اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی، اشتغال، رفاه، مشارکت اجتماعی و غیره) است (کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۶). تعریف مورد نظر برای کیفیت زندگی در این تحقیق، عبارت است از حالتی که فرد در آن نسبت به خود، محیط پیرامون و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، احساس آرامش درونی دارد و با استفاده از فرصت‌های موجود در کنش‌های اجتماعی، امید به پیشرفت دارد.

هم‌زمان با پدیدار شدن بحران‌های محیطی، کیفیت محیط، به‌عنوان بخشی از مفهوم کلیت و کیفیت زندگی شناخته شد. تا دهه ۱۹۷۰، کیفیت زندگی اساساً معطوف به انگاره‌های مادی و پیامد رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. در اوایل قرن بیستم میلادی، در پی شروع جنبش مدرنیسم، مباحث استاندارد کیفیت زندگی مطرح شد و دولت‌ها را موظف ساخت تا حداقلی از شرایط مادی و سلامتی را برای زندگی انسان‌ها فراهم سازند. در این دوره استانداردسازی زندگی به مسائل مختلفی چون مسکن، پاک‌سازی شهرها، رسیدگی به وضعیت کارگران و بطور کلی نیازهای اولیه جمعیت نظر داشت. پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای صنعتی اروپای غربی تفکر حکومت رفاه رشد نمود و گروه‌های مختلف سعی بر شاخص‌سازی ابعاد رفاه در سطوح مختلف داشتند. در این دوره برنامه‌ریزی با رویکرد عقلانی و از بالا به پایین به شاخص‌سازی و ارزیابی کیفیت زندگی نظر داشت. توجه به سایر نیازهای انسان‌ها چون عزت نفس، آموزش، معاشرت‌های اجتماعی، زیبایی‌شناسی و ... و توجه به جنبه‌های کیفی محیط زیست باعث شد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی به تدریج کیفیت زندگی جایگزین استاندارد زندگی گردد (غفاری و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۲۱).

در دهه ۱۹۶۰ جامعه‌شناسان علیه چیرگی شاخص‌های اقتصادی واکنش نشان دادند. در اواسط دهه ۱۹۶۰ با به رسمیت شناختن بحران‌های زیست محیطی، توجه گسترده به مسائل زیست محیطی آغاز گردید و از سال‌های دهه ۱۹۷۰ مردم به تدریج متوجه نارسایی خدمات بهداشتی و وضعیت رفاهی در شهرها شدند، که نتیجه آن تدوین استراتژی «بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰» از سوی سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۷۹ بوده است. در همان زمان که بحران‌های زیست محیطی پدید آمد، این مسأله نیز به رسمیت شناخته شد که کیفیت محیط زیست به عنوان بخشی از مفهوم کلی کیفیت زندگی مطرح می‌باشد. تلاش برای رفاه جدا از شاخص‌های پولی و توجه به چندگانگی خواست‌ها از جمله عوامل مؤثر در این تغییر رویکرد در طی دهه ۱۹۶۰ میلادی به‌ویژه در اروپا بود. به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد استراتژی‌های جدیدی در روندها، سیاست‌ها

و برنامه‌ریزی شهری ظهور کرد که غایت آن‌ها در جهت به‌دست‌آوری قدرت در سطوح محلی و شهرداری‌ها بود و مباحثی نظیر بهبود رفاه اجتماعی، تأمین مسکن بهینه، حمل‌ونقل کارآمد شهری، آموزش و خدمات بهداشتی مناسب، وارد مطالعات شهری می‌گردد. به گونه‌ای که کنگره‌ها و همایش‌های بین‌المللی مختلفی به عنوان توسعه پایدار شهری در قالب بیانیه ریو و ... برگزار و به تصویب جهانی رسید. نتیجه و حاصل برگزاری چنین همایش‌هایی در عرصه جهانی، رواج مفاهیم و کاربرد شاخص‌های اجتماعی و کیفی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری بوده است. در نتیجه مطالعات در زمینه کیفیت زندگی شهری در شهرها و کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و در حال صنعتی شدن جدید، از این دهه به بعد مورد توجه جدی قرار گرفت و تلاش‌های پیشین در این زمینه از دانش پژوهان جهانی غربی (کمپیل، گاورز و رودگرز در سال ۱۹۷۶، گرین و روف و فولد در سال ۱۹۶۰ و ...) در رشته‌های مختلف آغاز گردید (کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۷).

با آغاز دهه ۱۹۸۰ نگرش‌های نوینی با عناوین شاخص پایداری رفاه اقتصادی^۱ و شاخص فیزیکی کیفیت زندگی^۲ مطرح گردید. شاخص پایداری رفاه اقتصادی می‌کوشد تا تولید ناخالص ملی را با کسر تمام هزینه‌های محیطی و اجتماعی که در نتیجه بازتولید درآمد ملی ایجاد می‌شود، محاسبه کند و شاخص‌های فیزیکی کیفیت زندگی به سنجش مرگ و میر نوزادان، میزان سواد و امید به زندگی به عنوان پیامدهای سنجش‌پذیری و رفاه می‌پردازند. در این دوره، مطالعات کیفیت زندگی در جهت رتبه‌بندی شهرها و مقایسه آن‌ها ادامه پیدا کرد. نخستین بار دولت بریتانیا با در نظر گرفتن معیارهایی چون بهداشت، آموزش و اشتغال به رتبه‌بندی شهرها اقدام نمود. پس از آن اقداماتی در ایالات متحده آمریکا جهت تهیه گزارش رتبه‌بندی سالانه شهرها انجام شد. خیزش رویکرد توسعه اجتماعی و توسعه پایدار در دهه ۱۹۹۰ شروع گردید. چالش‌ها و تبعات پیش روی جهانی شدن در پیوند با آراء رویکردهای اجتماعی به توسعه باعث توجه به نقش بخش مردمی و ابعاد محلی توسعه گردید و در این میان پژوهشگران و نظریه‌پردازان توسعه، مفاهیمی چون جامعه مدنی محلی، حاکمیت محلی، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعات محلی را مطرح کردند. از این رو، رویکرد محلی‌گرایی و اجتماع محوری در سال‌های اخیر همه حوزه‌های توسعه را درنوردیده است. در نتیجه این وقایع، مسائل زیست محیطی در سطحی پایین‌تر و در حد مناطق محلی مورد توجه قرار گرفت. مناطق محلی از ترکیب ساکنان و محیط سکونت‌شان به وجود آمده و تحت تأثیر عادات سکونتی و زندگی ساکنان قرار دارد. پس از آن کیفیت محیط سکونت به تدریج جای خود را در میان سایر مطالعات و جنبه‌های مطالعاتی کیفیت زندگی باز نمود. اگرچه در حال حاضر مباحث کیفیت محیط زیست در سطح کلان هنوز هم نیز محل بحث است، اما بهبود و حفظ کیفیت محیط زیست مسکونی نیز جنبه‌ای حیاتی یافت. به همین دلیل است که اهمیت طبیعت خاص

1- ISEW= Index of Sustainable Economic Welfare

2- PQLI= Physical Quality of Life Index

محیط مسکونی باعث افزایش نقش محیط‌های سکونتی شهری به‌عنوان زیستگاه اصلی انسان اهمیتی حیاتی یافته و افراد زیادی را تحت تأثیر خود دارد (کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۶).

آرزوی بهبود «کیفیت زندگی» در مکانی مشخص و برای شخص یا گروه مشخص، کانون توجه مهمی برای برنامه‌ریزان است. همچنین می‌توان گفت که اقدام به برنامه‌ریزی بصورت فعالیتی عمومی و همگانی، به طور بالقوه‌ای می‌تواند کیفیت زندگی شهروندان را به‌وجود آورد. برنامه‌ریزان شهری، دولتمردان، سیاست‌مداران، سازمان‌های غیردولتی و نیز عموم مردم می‌کوشند تا فرآیند و خروجی‌های برنامه‌ریزی را، در جهت تغییر شرایط و بالا بردن کیفیت زندگی تحت تأثیر قرار دهند و کالبد و محیط اجتماعی را فراهم کنند که در آن کیفیت زندگی ارتقاء یابد. استفاده از مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری حداقل می‌تواند در دو مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار بگیرد. مرحله اول جایی است که برنامه‌ریزان می‌خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. در واقع در این مرحله برنامه‌ریزان در پی آن هستند تا اولویت‌ها و مسائلی را که از اهمیت بیش‌تری برخوردار هستند، به‌طور ویژه مورد توجه قرار بدهند، که بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند راهنمای مناسبی برای آن‌ها در این مرحله باشد. مرحله دوم جایی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها می‌بایست مورد ارزیابی قرار بگیرند تا سودمندی و کارایی آن‌ها تایید شود. در این مرحله نیز بررسی اثراتی که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر روی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌توانند داشته باشند، راهنمای مناسبی را برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران به وجود می‌آورد. در واقع برنامه‌ها و پروژه‌هایی می‌توانند سودمندی و کارایی داشته باشد که در نهایت منجر به بالا بردن کیفیت زندگی شهری شود و به خصوص برخی ابعاد آن را که بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان شهری می‌باشد، ارتقاء دهد (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۹-۶۸).

با مرور مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت زندگی شهری به وضوح دیده می‌شود که این مساله که کیفیت زندگی شهری دارای اجزای مختلفی می‌باشد، مورد تأیید محققان قرار گرفته است. محققان در پژوهش‌های خود بر روی کیفیت زندگی شهری به طور کلی اجزای تا حد زیادی مشابه را به‌عنوان ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری انتخاب کرده‌اند ولی شاخص‌هایی که برای سنجش این اجزا در نظر گرفته‌اند، متفاوت می‌باشد. جدول شماره (۲) جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری که توسط پژوهشگران مختلف انتخاب شده است، را نشان می‌دهد.

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

جدول (۲): جنبه‌های کیفیت زندگی شهری در پژوهش‌های مختلف

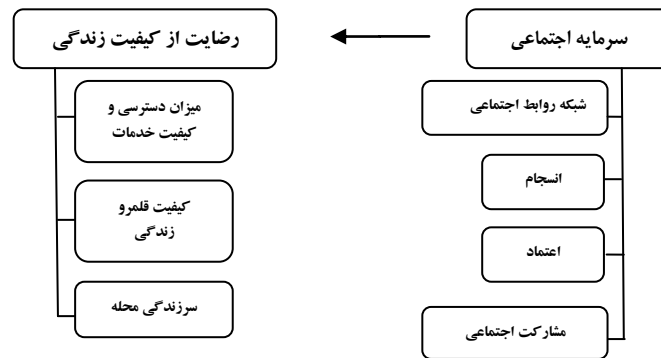
منبع	جنبه‌های کیفیت زندگی شهری به کار رفته در تحقیق
(لیو، ۱۹۷۶)	۱- اقتصاد ۲- سیاست ۳- محیط زیست ۴- اجتماع ۵- آموزش
(بویر و ساواگو، ۱۹۸۱)	۱- آب و هوا ۲- مسکن ۳- محیط زیست و بهداشت ۴- جرم ۵- حمل و نقل ۶- آموزش ۷- هنر ۸- تفریح ۹- اقتصاد
بلومکوویست، برگر و هوبن (۱۹۸۸)، استور و لون (۱۹۹۲)	۱- نزولات جوی ۲- تعداد روزهای گرم ۳- تعداد روزهای سرد ۴- رطوبت ۵- سرعت باد ۶- تابش آفتاب ۷- ساحل ۸- جرم ۹- نسبت معلم به شاگرد ۱۰- ذرات معلق ۱۱- مواد زاید
(صوفیان، ۱۹۹۳)	امنیت عمومی ۲- هزینه خوراک ۳- فضای زندگی ۴- استاندارد مسکن ۵- ارتباطات ۶- آموزش ۷- بهداشت عمومی ۸- آرامش ۹- جریان ترافیک ۱۰- هوای پاک
(یوان دی بی، ۱۹۹۴)	۱- امید به زندگی ۲- نرخ بیسوادی بزرگسالان ۳- متوسط قدرت خرید
(پروتاسکو، ۱۹۹۷)	۱- درآمد ماهانه هر شخص ۲- توزیع درآمد ۳- مخارج خوراک ماهانه

دو دسته شاخص در سنجش کیفیت زندگی شهری بیشتر مورد توافق صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. دسته اول شاخص‌های عینی می‌باشند که اشاره به جنبه‌های عینی و قابل لمس زندگی شهری دارند و در ابعاد مختلف قالب تعریف می‌باشند. از جمله می‌توان به تعداد بیمارستان‌های یک شهر، نرخ بیکاری، تعداد وقوع جرم، میزان فضاهای سبز شهری و ... اشاره کرد. دسته دوم شاخص‌های ذهنی می‌باشند که سعی دارند میزان رضایت‌مندی و رفاه شهروندان را از جنبه‌های مختلف شهری کمی و قابل اندازه‌گیری کنند. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به میزان رضایت‌مندی شهروندان از خدمات بهداشتی و درمانی شهری، میزان رضایت‌مندی از دسترسی به اشتغال، میزان رضایت‌مندی از امنیت شهری و میزان رضایت‌مندی از دسترسی به فضاهای سبز شهری اشاره کرد. باتوجه به این دو دسته شاخص در سنجش کیفیت زندگی شهری که تقریباً مورد توافق اکثر صاحب‌نظران قرار گرفته است، در ادبیات مطروحه در این زمینه دو رویکرد اصلی در سنجش کیفیت زندگی شهری وجود دارد؛ رویکرد اول که از آن با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری عینی نام برده می‌شود و رویکرد دوم که از آن با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری ذهنی نام برده می‌شود. در رویکرد اول با استفاده از شاخص‌های عینی، کیفیت زندگی شهری مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و میزان رضایت‌مندی شهروندان از جنبه‌های مختلف زندگی شهری مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. در این رویکرد از داده‌های ثانویه برای تدوین شاخص‌ها استفاده می‌شود و تا حد زیادی به آمارگیری‌های انجام شده از شهر در سال‌های مختلف

- 1- Liu
- 2- Boyer&Savageau
- 3- Blomquist, Berger & Hoehn
- 4-Stover & Leven
- 5- Sufian
- 6-UNDP
- 7- Protassenko

وابسته می‌باشد. در رویکرد دوم با استفاده از شاخص‌های ذهنی، کیفیت زندگی شهری مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این رویکرد به‌جای استفاده از داده‌های ثانویه، شهروندان به‌طور مستقیم (از طریق پرسشنامه، مصاحبه) مورد تحلیل قرار گرفته و میزان رضایت‌مندی آن‌ها از جنبه‌های مختلف زندگی شهری بررسی می‌شود. سنجش کیفیت زندگی شهری با استفاده از این رویکرد مشکل‌تر بوده و وقت و هزینه بیشتری را نسبت به رویکرد اول، به خود اختصاص می‌دهد؛ لیکن نتایج حاصل از آن منطقی‌تر بوده و بیشتر به واقعیت نزدیک می‌باشد (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۵).

با توجه به ادبیات نظری تحقیق و پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع، می‌توان مدل بومی سازی شده مولفه‌های سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی را در سطح محله در شکل شماره (۱) نشان داد.



شکل (۱): مدل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در سطح محله

روش

روش تحقیق بر حسب هدف کاربردی و بر حسب گردآوری داده‌ها ترکیبی است. ابزار تحقیق حاضر پرسشنامه می‌باشد که حاوی سوالات محقق ساخته و استاندارد می‌باشد. جامعه آماری را شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در دو محله سلطان میراحمد و فین کاشان تشکیل می‌دهند. بر اساس نمونه‌گیری کوکران تعداد ۴۴۶ نفر از ساکنین این دو محله به عنوان نمونه انتخاب گردیده و مورد مصاحبه واقع شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی منظم بوده است؛ به گونه‌ای که در هر محل تعدادی بلوک از محلات مختلف بطور تصادفی انتخاب و نمونه‌ها بر اساس یک طرح مشخص از داخل بلوک‌ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است که اعتبار آن به شکل اعتبار صوری توسط متخصصین حوزه علوم اجتماعی تایید شده و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار این آزمون به ترتیب برای متغیر شبکه

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

روابط اجتماعی (۰/۶۷)، متغیر مشارکت (۰/۷۰)، متغیر اعتماد (۰/۸۵)، متغیر انسجام (۰/۷۴)، متغیر دسترسی و کیفیت خدمات محله (۰/۷۱)، متغیر کیفیت قلمرو زندگی (۰/۸۰) و متغیر سرزندگی محله (۰/۷۰) محاسبه گردید که این ارقام نشان از مناسبت پایایی ابزار تحقیق دارد.

در پژوهش حاضر متغیر وابسته تحقیق (میزان رضایت از کیفیت محله) سازه‌ای سه وجهی بوده که حاصل بررسی دقیق ادبیات نظری پژوهش است. این سه وجه عبارتند از: میزان دسترسی و کیفیت خدمات، کیفیت قلمرو زندگی و سرزندگی محله. جهت سنجش میزان دسترسی و کیفیت خدمات محله ۱۴ سوال در قالب طیف ۵ درجه ای لیکرت مطرح شد که در نهایت با تجمیع نمرات سوالات و تقسیم آن بر تعداد سوالات (۱۴) میانگین نمره هر فرد برای متغیر میزان دسترسی و کیفیت خدمات محله محاسبه شد که این میانگین‌ها مابین ارقام ۱ (به معنای کم‌ترین میزان کیفیت) و ۵ (به معنای بیش‌ترین میزان کیفیت) قرار گرفتند. این سوالات حاوی نظرات پاسخ‌گویان در مورد دسترسی افراد محل به مراکز خدماتی، زیرساخت‌ها، شبکه راه‌ها می‌باشد. جهت سنجش متغیر کیفیت قلمرو زندگی نیز ۱۲ سوال در قالب مقیاس لیکرت ۵ درجه ای طرح گردید که حداقل و حداکثر نمرات این متغیر نیز به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد. این سوالات حاوی نظر پاسخ‌گویان در مورد وضعیت کلی اقتصادی- اجتماعی محل زندگی‌شان از قبیل شاخص فقر، میزان نابرابری، امنیت است. برای سنجش متغیر سرزندگی ۹ سوال در قالب مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت با حداقل نمرات ۱ و حداکثر ۵ طرح گردید. این سوالات حاوی نظر پاسخ‌گویان در مورد میزان حضور و صمیمیت پاسخ‌گویان، میزان مشارکت در فعالیت‌های جمعی و ... می‌باشد.

متغیر مستقل تحقیق حاضر (سرمایه اجتماعی) سازه‌ای چهار وجهی بوده که حاصل بررسی دقیق ادبیات نظری تحقیق است. این چهار وجه عبارتند از: شبکه روابط اجتماعی، انسجام، اعتماد و مشارکت اجتماعی. متغیر شبکه روابط اجتماعی در دو وجه روابط فردی و جمعی سنجیده شده است که برای سنجش روابط فردی تعداد افرادی که فرد از بین دوستان و همسایگان و همکاران خود دارای روابط نزدیک و صمیمانه است، به اضافه مدت زمان این روابط و میزان آن مورد توجه قرار گرفته است. در روابط جمعی میزان و مدت عضویت فرد شبکه‌های روابط جمعی از قبیل عضویت در انجمن‌ها و اصناف به اضافه تعداد افرادی که در این شبکه‌ها عضویت دارند به عنوان نشانگر شبکه روابط جمعی مد نظر واقع شده است. در نهایت با تجمیع شبکه روابط فردی و جمعی میزان و نمره شبکه روابط پاسخ‌گویان محاسبه شده است. برای به دست آوردن نمره شبکه روابط دو نوع سوال مطرح شد. برای کسب تعداد افراد موجود در شبکه روابط یک سوال باز پاسخ پرسیده شد که پاسخ‌گویان تعداد افراد را به شکل یک نمره فاصله‌ای بازگو می‌کردند و برای پاسخ به میزان و مدت زمان ارتباط نیز سوالات در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و به شکل مقیاس ترتیبی مطرح

شدند که در این مقیاس رقم ۱ به معنای ارتباط خیلی ضعیف و ۵ به معنای ارتباط خیلی قوی می‌باشد و اعداد مابین این دو عدد میزان روابط ضعیف، متوسط و قوی را مشخص می‌کند.

متغیر مشارکت با چهار سوال در قالب مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت با دامنه پاسخ‌های (۵- تقریباً همیشه شرکت می‌کنم. ۴- اغلب شرکت می‌کنم. ۳- گهگاهی شرکت می‌کنم. ۲- به ندرت شرکت می‌کنم. ۱- هیچ‌گاه شرکت نمی‌کنم) پرسیده شدند. در این چهار سوال از پاسخگویان خواسته شده میزان مشارکت خودشان را در فعالیت‌های عام‌المنفعه، مراسم ملی، مراسم مذهبی و تجمعات اعتراضی مطرح نمایند. متغیر انسجام با سه بعد تعلق خاطر، ارزش‌های جمعی و تمایل به مشارکت در کارهای جمعی از ۶ سوال تشکیل یافته که در قالب مقیاس لیکرت (۵- کاملاً موافقم، ۴- تا حدودی موافقم، ۳- بی‌نظر، ۲- مخالفم، و ۱- کاملاً مخالفم) مطرح شده‌اند. این سوالات عبارتند از: به محله‌ای که در آن زندگی می‌کنم احساس تعلق می‌کنم، در صورت مساعد بودن همه شرایط حاضر به ترک محله خودم نیستم، خودم را نسبت به همسایگانم متعهد می‌دانم، من به عنوان یک ایرانی نسبت به ارزش‌های ملی خود احساس دین می‌کنم، به‌عنوان یک فرد متدین نسبت به ارزش‌های دینی خود احساس دین می‌کنم، دوست دارم در فعالیت‌های جمعی و گروهی که به نفع همه است مشارکت داشته باشم.

متغیر اعتماد از دو بعد اعتماد به افراد و اعتماد نهادی تشکیل یافته است که در قالب ۷ سوال اعتماد پاسخ‌گویان نسبت به همسایگان، دوستان، همکاران، دولت، قوه قضائیه، مجلس و نهادهای محلی در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت (۵- کاملاً اعتماد دارم، ۴- تا حدودی زیادی اعتماد دارم، ۳- کمابیش اعتماد دارم، ۲- اعتماد کمی دارم و ۱- اصلاً اعتماد ندارم) مورد پرسش قرار گرفت. متغیر سرمایه اجتماعی حاصل ترکیب نمرات کسب شده از چهار بعد شبکه روابط، انسجام، مشارکت و اعتماد می‌باشد.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از جداول فراوانی و نمودارهای آماری جهت توصیف نیمرخ توزیع متغیرهای تحقیق و جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون تفاوت میانگین‌ها برای دو نمونه مستقل، آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ بررسی نیمرخ پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۱۷۹ نفر (۴۰/۱ درصد) را زنان و ۲۱۲ نفر (۴۷/۵ درصد) را مردان تشکیل می‌دهند و جنسیت ۵۵ نفر از پاسخ‌گویان در پرسش‌نامه ذکر نشده است. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۲/۰۸ سال می‌باشد. ۱۵۸ نفر (۳۵/۴ درصد) از پاسخ‌گویان مجرد و ۲۳۳ نفر (۵۲/۲ درصد) متأهل بوده‌اند و ۵۵ نفر از پاسخ‌گویان وضعیت تأهل خود را ذکر نکرده‌اند. بیش‌ترین میزان

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

تحصیلات مربوط به افراد لیسانس با ۱۱۹ نفر (۲۶/۷ درصد) می‌باشد. ۲۲۱ نفر (۴۹/۶ درصد) دارای تحصیلات زیر لیسانس و ۴۵ نفر (۱۰/۱ درصد) دارای تحصیلات بالای لیسانس هستند و ۶۱ نفر میزان تحصیلات خود را ذکر نکرده‌اند. از نظر وضعیت شغلی، ۲۱۲ نفر (۴۷/۵ درصد) از پاسخ‌گویان شاغل، ۷۱ نفر (۱۵/۹ درصد) بیکار، ۴۳ نفر (۹/۶ درصد) خانه‌دار و ۳۶ نفر (۸/۱ درصد) گزینه سایر موارد را انتخاب کرده‌اند و ۸۴ نفر شغل خود را ذکر نکرده‌اند. ۲۰۰ نفر (۴۴/۸ درصد) از پاسخ‌گویان ساکن محله سلطان میراحمد و ۲۴۶ نفر (۵۵/۲ درصد) ساکن محله فین بوده‌اند. میانگین مدت زمان سکونت در محله ۹/۹۵ سال با انحراف معیار ۸/۶۱ بوده است.

در جدول شماره (۳) وضعیت کلی متغیرهای تحقیق نشان داده شده است. نتایج این جدول حاوی ابعاد فرعی و خود متغیرهای تحقیق می‌باشد. نتایج این جدول نشان می‌دهد، میانگین نمره روابط اجتماعی پاسخ‌گویان ۴ با انحراف معیار ۴/۳۴ می‌باشد. میانگین نمره انسجام اجتماعی ۴/۰۵ می‌باشد که این مقدار در مقابل حداکثر نمره این مقیاس که رقم ۵ بوده، رقم مناسبی می‌باشد. میانگین اعتماد اجتماعی ۳/۶۳ می‌باشد که این رقم بالای متوسط طیف بوده و از وضعیت مناسب اعتماد اجتماعی حکایت می‌کند. میانگین میزان مشارکت هم با مقدار ۳/۷۸ مقدار مناسبی محسوب می‌شود. پاسخ‌گویان از کیفیت خدمات و دسترسی محله خود بطور میانگین به اندازه ۲/۹۸ از ۵ رضایت دارند. کیفیت قلمرو زندگی را به طور میانگین ۳/۰۹ از ۵ و میزان سرزندگی محل زندگی خود را ۳/۲۱ از ۵ ارزیابی نموده‌اند که این مقادیر هم مقادیر مناسبی هستند. به‌طور کلی میانگین میزان رضایت پاسخ‌گویان از کیفیت محله ۳/۰۹ و میزان سرمایه اجتماعی محله ۳/۸۸ می‌باشد.

جدول (۳): توصیف وضعیت کلی متغیرهای تحقیق

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	
۴۴۶	۰/۰۰	۱۵/۱۳	۴/۰۰۱۷	۴/۳۴۶۹۹	شبکه روابط اجتماعی
۴۴۶	۰/۰۰	۵/۰۰	۴/۰۵۷۲	۰/۷۴۴۲۹	انسجام اجتماعی
۴۴۶	۰/۰۰	۵/۰۰	۳/۶۳۸۵	۰/۸۳۰۰۷	اعتماد اجتماعی
۴۳۹	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۷۸۵۳	۰/۹۱۶۸۷	مشارکت اجتماعی
۳۷۷	۱/۳۶	۴/۷۱	۲/۹۸۹۴	۰/۵۴۲۳۳	دسترسی و کیفیت خدمات محله
۴۱۵	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۰۹۳۴	۰/۶۴۱۶۷	کیفیت قلمرو زندگی
۳۹۴	۱/۳۳	۵/۰۰	۳/۲۱۱۸	۰/۶۱۴۱۷	سرزندگی
۳۲۷	۱/۷۰	۴/۷۳	۳/۰۹۸۷	۰/۴۸۴۴۹	رضایت کلی از کیفیت محله
۴۳۹	۱/۴۳	۷/۲۰	۳/۸۸۰۷	۱/۳۲۲۰۳	سرمایه اجتماعی کلی

یافته‌های تبیینی؛ جهت آزمون فرضیه اول از آزمون تفاوت میانگین دو نمونه مستقل استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول شماره (۴) قابل مشاهده می‌باشد. همان‌گونه که ارقام جدول نشان می‌دهد از نظر «میزان دسترسی و کیفیت خدمات»، محله سلطان میراحمد با میانگین ۲/۷۱ به طرز معنی‌داری کم‌تر از

محلۀ فین با میانگین ۳/۱۹ است ($p=0/000$ و $df=372$ و $t=-9/856$). بنابراین می‌توان ادعا نمود که میزان رضایت پاسخ‌گویان از کیفیت خدمات و دسترسی در محلۀ فین بهتر از محلۀ سلطان میراحمد بوده است. در زیر مقیاس «کیفیت قلمرو زندگی» تفاوت میانگین دو محلۀ سلطان میراحمد (۲/۸۴) و فین (۳/۲۸) از نظر آماری یک تفاوت معنی‌دار است ($p=0/000$ و $df=413$ و $t=-7/192$). پس می‌توان ادعا نمود که از نظر کیفیت قلمرو زندگی وضعیت محلۀ فین نسبت به محلۀ سلطان میراحمد بهتر بوده است. در زیر مقیاس «سرزندگی» هم از نظر آماری تفاوت معنی‌داری بین محلۀ سلطان میراحمد با میانگین (۳/۰۹) و محلۀ فین با میانگین (۳/۲۹) دیده می‌شود ($p=0/002$ و $df=392$ و $t=-3/104$). پس در مورد این زیرمقیاس هم می‌توان ادعا نمود که یکی از محلات مورد بررسی میانگینی متفاوت از دیگری دارد. به‌طوری که ساکنین محلۀ فین سرزندگی محلۀ خود را بهتر از محلۀ سلطان میراحمد ارزیابی نموده‌اند. در مورد مقیاس کلی «رضایت از کیفیت محلۀ» که ترکیبی از سه زیر مقیاس مذکور می‌باشد، مقایسه میانگین دو محلۀ نشان می‌دهد که تفاوت بین این دو محلۀ از نظر کیفیت محلی به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ بطوری که میانگین محلۀ سلطان میراحمد (۲/۸۴) به مراتب کم‌تر از میانگین محلۀ فین (۳/۲۵) می‌باشد ($p=0/000$ و $df=325$ و $t=-8/240$).

جدول (۴) مقایسه میانگین ابعاد رضایت از کیفیت زندگی در دو محلۀ سلطان میراحمد و فین کاشان

ابعاد شبکه روابط فردی	نام محلۀ	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی (df)	(p) سطح معنی داری
میزان دسترسی و کیفیت خدمات	سلطان میراحمد (N=162)	۲/۷۱۲۵	۰/۴۳۰۷۸	-۹/۸۵۶	۳۷۲	۰/۰۰۰
	فین (N=415)	۳/۱۹۸۰	۰/۵۲۴۸۰			
کیفیت قلمرو زندگی	سلطان میراحمد (N=180)	۲/۸۴۹۱	۰/۵۸۲۱۵	-۷/۱۹۲	۴۱۳	۰/۰۰۰
	فین (N=235)	۳/۲۸۰۵	۰/۶۲۳۰۰			
سرزندگی	سلطان میراحمد (N=162)	۳/۰۹۸۱	۰/۵۸۱۳۱	-۳/۱۰۴	۳۹۲	۰/۰۰۲
	فین (N=232)	۳/۲۹۱۲	۰/۶۲۵۱۶			
شبکه روابط فردی کلی	سلطان میراحمد (N=124)	۲/۸۴۱۴	۰/۳۹۶۴۲	-۸/۲۴۰	۳۲۵	۰/۰۰۰
	فین (N=202)	۳/۲۵۵۹	۰/۴۶۶۵۵			

فرضیه دوم: میان ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با ابعاد متغیر رضایت از کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.

جهت آزمون فرضیه دوم از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج ماتریس همبستگی متغیرها در جدول شماره (۵) نشان داده شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد تمامی ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با ابعاد متغیر رضایت از کیفیت زندگی دارای ارتباط مستقیم و معنی‌دار می‌باشد؛ به گونه‌ای که نشان می‌دهد با افزایش میزان سرمایه اجتماعی می‌توان انتظار داشت که رضایت از کیفیت زندگی محلی نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس. همانگونه که مشخص است بیش‌ترین میزان همبستگی را با ابعاد رضایت از کیفیت زندگی

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

محله، متغیر اعتماد اجتماعی دارد. این متغیر با متغیر دسترسی و کیفیت خدمات به میزان $0/308$ ، با متغیر کیفیت قلمرو زندگی به میزان $0/355$ ، با متغیر سرزندگی به میزان $0/432$ و با متغیر کلی کیفیت محلی $0/429$ همبستگی دارد و تمامی همبستگی‌ها نیز مثبت بوده و در سطح معناداری $0/000$ یک رابطه معنی‌دار محسوب می‌شوند.

جدول (۵): ماتریس همبستگی متغیرها و ابعاد آن‌ها با یکدیگر

کیفیت محلی	سرزندگی	کیفیت قلمرو زندگی	دسترسی و کیفیت خدمات	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	شبه روابط
$-0/241$	$0/207$	$-0/189$	$0/186$	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	شبه روابط
$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/000$	تعداد	
۳۲۷	۳۹۴	۴۱۵	۳۷۷	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	انسجام اجتماعی
$-0/172$	$-0/280$	$-0/132$	$0/112$	تعداد	
$0/002$	$0/000$	$0/007$	$0/029$	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	اعتماد اجتماعی
۳۲۷	۳۹۴	۴۱۵	۳۷۷	تعداد	
$0/429$	$0/432$	$0/355$	$0/308$	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	مشارکت اجتماعی
$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/000$	تعداد	
۳۲۷	۳۹۴	۴۱۵	۳۷۷	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	سرمایه اجتماعی
$-0/368$	$-0/292$	$-0/262$	$0/123$	تعداد	
$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/018$	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	
۳۲۳	۳۹۰	۴۱۰	۳۷۳	تعداد	
$-0/329$	$-0/318$	$-0/278$	$0/240$	ضریب همبستگی بیرون سطح معنی داری (دودامنه)	
$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/000$	تعداد	
۳۲۳	۳۹۰	۴۱۰	۳۷۳		

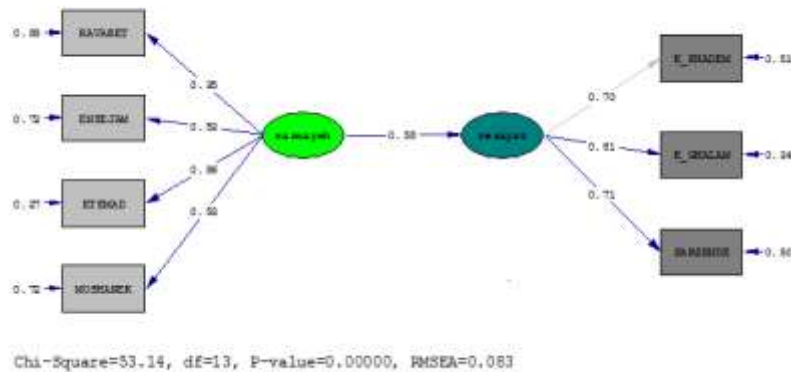
فرضیه سوم: متغیر سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای متغیر رضایت از کیفیت زندگی می‌باشد.

جهت آزمون فرضیه سوم از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است که برای این منظور از نرم افزار لیزرل ۸/۵ بهره گرفته شد. همان‌گونه که در شکل شماره (۳) مشخص است، مدل طرح شده از دو بخش اندازه‌گیری و ساختاری تشکیل یافته است. بخش اندازه‌گیری مدل بیانگر تحلیل عاملی تأییدی و بخش ساختاری بیانگر اثر خالص متغیر پیش‌بینی بر متغیر ملاک می‌باشد. در این شکل ضرایب خطوطی که اشکال مستطیل را به اشکال بیضی مربوط می‌سازد، نشانگر بار عاملی هر کدام از معرف‌های متغیر در سنجش آن متغیر می‌باشد و ارقامی روی خطوطی که اشکال بیضی را به یکدیگر متصل می‌سازند، بیانگر اثر خالص متغیر پیش‌بین (سرمایه اجتماعی) بر متغیر ملاک (رضایت از کیفیت زندگی محله) می‌باشد. همان‌گونه که در این مدل مشخص است، میزان تاثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی محلی $0/58$ است که نشان می‌دهد به ازاء هر واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر سرمایه اجتماعی به میزان $0/58$ واحد بر متغیر رضایت از کیفیت محلی افزوده می‌شود و بالعکس. نتایج جدول شماره (۶) بیانگر نیکویی برازش مدل

طرح شده نظری با داده‌های تجربی می‌باشد؛ چرا که همه شاخص‌های نیکویی برازش در سطح قابل قبول یعنی بالای ۰/۹۰ می‌باشند. این موضوع نشان می‌دهد که مدل نظری طرح شده با یافته‌های تجربی همسو بوده و به تعبیر دیگر این مدل در تجربه هم تأیید می‌شود.

جدول (۶): شاخص‌های نیکویی برازش مدل‌سازی معادله ساختاری

NFI	IFI	CFI	AGFI	GFI
۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۷



شکل (۲): مدل‌سازی معادله ساختاری

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر هدف اصلی، بررسی میزان تأثیرگذاری ابعاد سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در گونه‌های متفاوت محلات نظیر سلطان میر احمد و فین کاشان بوده است. در واقع در تحقیق حاضر هدف پاسخ‌گویی به این سوال بود که آیا ارتباطی میان ابعاد سرمایه اجتماعی و ابعاد رضایت از کیفیت زندگی محله وجود دارد و در صورت وجود ارتباط میزان تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر پیش‌بینی بر متغیر رضایت از کیفیت زندگی محله چقدر است. برای پاسخ‌گویی به این سوال‌ها، میانگین رضایت از کیفیت زندگی در دو محله مورد بررسی قرار گرفت تا وضعیت کلی این متغیر مشخص گردد. سپس با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، ارتباط این متغیرها با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. تحقیق حاضر به روش ترکیبی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر را افراد بالای ۱۸ سال ساکن در دو محله سلطان میر احمد و فین کاشان تشکیل می‌دهد. ۴۴۶ نفر از ساکنین این دو محله به‌عنوان نمونه انتخاب و توسط پرسشنامه

محقق ساخته مورد مصاحبه قرار گرفتند. امروزه نابرابری‌های شاخص‌های کیفیت زندگی شامل کیفیت مسکن، حمل و نقل و ارتباطات، وضع دسترسی به نیازهای روزمره، تسهیلات شهری، ایمنی و امنیت در سطح محلات شهر، برنامه ریزان و مدیران شهری را بر این داشته تا به توزیع عادلانه در سطح شهر توجه ویژه‌ای داشته باشند. به دنبال این مسائل، مفاهیم نوینی در ادبیات برنامه‌ریزی شهری از جمله توسعه پایدار محله‌ای و مفهوم کیفیت زندگی مطرح شده است. در راستای همین مساله اولین فرضیه‌ای که در تحقیق حاضر مطرح بود، این بوده است که رضایت از کیفیت زندگی در دو محله سلطان میراحمد و محله فین کاشان متفاوت است. مقایسه میانگین دو محله نشان می‌دهد که تفاوت بین این دو به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. به طوری که میانگین محله سلطان میر احمد (۲/۷۱) به مراتب کم‌تر از میانگین محله فین (۳/۱۹) می‌باشد. این یافته با یافته‌های شمعی و همکاران (۱۳۹۱)، روگرسون و همکاران^۱ (۱۹۸۹)، مارانز^۲ (۲۰۰۳) در تطابق می‌باشد. مولر^۳ (۲۰۰۷)، هیگز^۴ (۲۰۰۷) و ریچاردز^۵ و همکاران (۲۰۰۷) نیز در افریقای جنوبی هر یک ابعاد خاصی از کیفیت زندگی را مورد بررسی قرار داده و به نتایج مشابهی رسیدند.

فرضیه دوم تحقیق حاضر این بود که میان ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد متغیر رضایت از کیفیت زندگی ارتباط وجود دارد که نتایج تحقیق حاضر بیانگر وجود ارتباط معنی‌دار بین تمامی این ابعاد می‌باشد. به گونه‌ای که نشان می‌دهد با افزایش میزان سرمایه اجتماعی می‌توان انتظار داشت که کیفیت زندگی نیز افزایش خواهد یافت. اساس این دیدگاه‌ها بر ظرفیت‌سازی و بسیج منابع و سرمایه‌های محلی قرار دارد. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری در کنار یکدیگر مفاهیم تحلیلی مناسبی برای شناسایی پتانسیل رفتارهای اجتماع‌گرایانه و رفاه اجتماعی در اجتماعات مختلف مکانی محسوب می‌شوند و از این رو اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در واقع اندازه‌گیری ظرفیت جامعه برای مدیریت خویش است. به ویژه آن که سرمایه اجتماعی عامل مؤثری در بازتولید سایر اشکال سرمایه (انسانی، اقتصادی، کالبدی) نیز محسوب می‌شود. این یافته تحقیق حاضر به طور دقیق با یافته‌های خوشفر و همکاران (۱۳۹۲) در تطابق می‌باشد. این یافته هم‌چنین با یافته‌های ماجدی و لهسای زاده (۱۳۸۵)، غفاری و اونق (۱۳۸۵)، نوغانی و همکاران (۱۳۸۷)، نیلسون^۶ و همکاران (۲۰۰۶) در تطابق می‌باشد. جهت آزمون فرضیه سوم از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در تحقیق حاضر مدل سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد سرمایه اجتماعی با ابعاد چهارگانه

1- Rogerson
2- Marans
3- Moller
4- Higgs
5- Richards
6- Nilsson

خود پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای میزان رضایت از کیفیت زندگی محله محسوب می‌شود. میزان تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر رضایت از کیفیت زندگی ۰/۵۸ می‌باشد که نشان می‌دهد به ازاء هر واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۰/۵۸ واحد بر متغیر رضایت از کیفیت زندگی افزوده می‌شود. به‌طور کلی تأیید فرضیه‌ها تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت سرمایه اجتماعی محلات می‌تواند تبیین‌گر مناسبی برای میزان توسعه‌یافتگی و کیفیت زندگی شهری در نظر گرفته شود؛ همان‌گونه که لین^۱ (۲۰۰۰) عنوان می‌کند شبکه‌های اجتماعی بزرگتر و متنوع‌تر صرفه‌های اقتصادی مثبت بیشتری برای افراد به دنبال خواهند داشت. بر اساس یافته‌های پژوهش که بیان‌گر اهمیت نقش اعتماد در محله‌های شهری می‌باشد، نشان‌دهنده آن است که متخصصان و برنامه‌ریزان شهری بایستی توجه ویژه به شاخص اعتماد اجتماعی داشته باشند. تأمین اعتماد اجتماعی می‌تواند راه را جهت رسیدن به توسعه پایدار اجتماعی محله‌های شهری هموار سازد. با افزایش سرمایه اجتماعی از طریق افزایش اعتماد اجتماعی می‌توان رضایت از کیفیت زندگی را در محلات شهری ارتقاء داد.

منابع

- احمدی، سیروس؛ میرفردی، اصغر و ابتکاری، محمدحسین. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی شهروندان شهر یاسوج. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۶، صص ۱۵۷-۱۳۵.
- الوانی، سیدمهدی و نقوی، میر علی. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). اعتماد، دموکراسی و توسعه. (ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان). تهران: نشر شیرازه.
- تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد و کوهستانی نژاد، مسعود. (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی؛ بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز. رفاه اجتماعی، شماره ۱۰.
- تنهایی، حسین و حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران. فصلنامه علوم رفتاری، صص ۲۹-۵۲.
- چلیبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی.
- حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. هنرهای زیبا، صص ۳۷-۴۶.

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

- خوشفر، غلامرضا؛ بارگاهی، رضا و کرمی، شهاب. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و پایداری شهری: مطالعه موردی شهر گرگان. فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۸، صص ۳۱-۴۶.
- شماعی، علی؛ فرجی ملایی، امین؛ عظیمی، آزاده و هاتفی، مریم. (۱۳۹۱). تحلیل نابرابری شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح محلات شهر بابلسر. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۳.
- عبدالهی، مجید. (۱۳۹۲). ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ موردپژوهی محله‌های شهر شیراز. مدیریت شهری، شماره ۳۲، صص ۱۶۳-۱۸۴.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی. لویه. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و اونق، نازمحمد. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۹۹.
- غفاری، غلامرضا؛ کریمی، علی‌رضا و نوذری، حمزه. (۱۳۹۱). روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۳.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۶). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی. تهران: شرکت حکایت قلم نوین.
- فیلد، جان. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی. ترجمه‌ی احمدرضا اصغرپور. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- کوزر، لویس آلفرد. (۱۳۷۲). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کوبی، افشین. (۱۳۸۶). معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهر. هویت شهر، صص ۷۵-۸۷.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیته. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی.
- ماجدی، سید مسعود و لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه زندگی، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۹، سال ۴، صص ۹۱-۱۳۵.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، صص ۶۷-۹۲.

- موقر، حمیدرضا؛ رنجبر، احسان و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران (نمونه مطالعاتی محله‌های شهر نایین). مطالعات معماری ایران، شماره ۸، صص ۳۵-۵۶.
- مهرگان، نادر و دلیری، حسن. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- نوغانی، محسن؛ اصغرپور، احمدرضا؛ کرمانی، مهدی و صفا، شیما. (۱۳۸۷). دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۴۰-۱۱۱.

- Blanco, H.Cambell, T. (2006). social capital of cities: emerging networks of horizontal assistance, www.elsevier.com.
- Blomquist, G.C, Berger, M.C Hoehn , J.P. (1988). New estimates of quality of life in urban areas, " American Economic Review 89-107.
- Boyer, R. Savageau, D. (1981). Places Rated Almanac. Chicago: Rand McNelly.
- Haddad, L. J. Maluccio, J. (2002). Membership Groups and Household Welfare: Evidence from --Kwazulu- Natal South Africa. Discussion Paper No35: FCND.
- Higgs, N. T. (2007). Measuring and understanding the well-being of South Africans: Everyday quality of life in South Africa, Social Indicators Research, 81(2),pp 331-356.
- Lin, N.(2000). Inequality in social capital, Contemporary sociology, 29(6), 785-795.
- Liu, B.C. (1976). Quality of Life Indicators in US Metropolitan Areas: A Statistical Analysis, New York: Praeger.
- Marans, R. W. (2003). Understanding environmental quality through quality of life studies: the 2001 DAS and its use of subjective and objective indicators, Landscape and Urban Planning, 65(1), pp73-83.
- Moller, V. (2007). Quality of life in South Africa--The first ten years of democracy, Social indicators research, 81(2), pp181-201.
- Nilsson, J. Rana, A. M. Kabir, Z. N.(2006). Social capital and quality of life in old age: results from a cross-sectional study in rural Bangladesh, Journal of aging and Health, 18(3), pp419-434.
- Protassenko, T.(1997). Dynamics of the standard of living in St Petersburg during five years of economic reform, " International Journal of Urban and Regional Research ,445-454.
- Raco, M. (2007). Building Sustainable Communities-Spatial Policy, Place Imagination and labour Mobility in post war in Britain. Bristol: Policy Press.
- Richards, R. O'Leary, B. Mutsonziwa, K.(2007). Measuring quality of life in informal settlements in South Africa, Social Indicators Research, 81(2), pp375-388.
- Rogerson, R. J. Findlay, A. M. Morris, A. S. Coombes, M. G.(1989). Indicators of quality of life: some methodological issues, Environment and Planning A, 21(12), pp1655-1666.
- Stover, M.E. and C.L Leven.(1992). Methodological issues in the determination of the quality of life in urban areas, " Urban Studies pp737-754.

بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری ...

-Sufian, A.J.M .(1993). A multivariate analysis of the determinants of urban quality of life in the world's largest metropolitan areas, Urban Studies pp1319-1329.

-UNDP. (1994). Human Development Report. Oxford: Oxford University Press.